

تورات در آینه قرآن

دکتر علی احمد ناصح

دانشیار دانشگاه قم (دانشکده الهیات)

یعقوب عابدی

دانش آموخته کارشناسی ارشد، دانشگاه قم

اشاره

در مورد کتاب «تورات» در قرآن کریم صفات زیادی ذکر شده است. می‌توان این‌طور درک کرد که کتاب حضرت موسی (ع) ویژگی‌های بسیاری داشته که برای تمامی مردم یهود و نیازهای روزمره‌شان کافی بوده است. اما اینکه همین تورات موجود و فعلی نیز دارای این شرایط و صفات است یا نه، جای بحث زیادی دارد. در قرآن این صفات فقط برای تورات اصلی و زمان موسی (ع) ذکر شده است. پس توراتی که فعلاً می‌بینیم و موجود است، شاید فاقد این صفات باشد که به این موضوع هم اشاره می‌کنیم.

سعی در اثبات حقانیت مرام خود دارد. ما در اینجا سعی کرده‌ایم ویژگی‌ها و صفاتی را که از تورات در قرآن کریم آمده است، نام ببریم و ببینیم: «آیا این ویژگی‌هایی که عنوان شد، در توراتی که الان موجود است نیز وجود دارد یا خیر؟ صفات زیادی برای تورات در قرآن مطرح شده است که در متن اصلی بحث به آن‌ها می‌پردازیم.»

کلیدواژه‌ها: قرآن، تورات، تورات موجود، تورات اصلی، تصدیق تورات

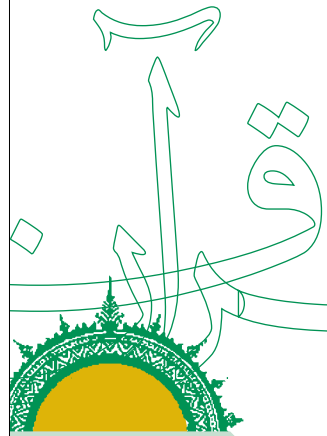
صفات تورات

بصیرت‌آفرین

«ولقد آتینا موسی الكتاب من بعد ما أهلكنا القرون الأولى بصائر للناس وهدى ورحمة لعلهم يتذكرون» (قصص/ ۴۳)

«بصائر» جمع «بصیرت» و به معنای «بینایی» است. در اینجا منظور، آیات و دلایلی است که موجب روشنایی قلب مؤمنان می‌شد و هدایت و رحمت نیز از لوازم این بصیرت است و به دنبال آن تذکر و بیداری دل‌های آماده، خداوند در این آیه می‌فرماید: من سوگند می‌خورم که ما کتاب تورات را به موسی دادیم و آن را

در جهان، ادیان اسلام، مسیحیت و یهودیت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند. از زمان ظهور اسلام، پیروان این ادیان در زمینه آرای مذهبی خود در بحث و مجادله بودند و هر گروه به دفاع از پایه‌های اعتقادی دین خود می‌پرداختند. بحث و گفت‌وگو پیرامون این ادیان تا عصر حاضر نیز ادامه یافته است و مسلماً تا زمانی که ملل مسلمان، مسیحی و یهودی وجود دارند، این مباحث ادامه می‌یابند. چون به‌طور طبیعی انسان از عقاید و دارایی‌های معنوی خود حمایت می‌کند و



از آنجا که خداوند متعال خود بصیر است: «و کفی برتک بذنوب عباده خبیراً بصیراً» (اسراء/۱۷)، کتاب‌های آسمانی هم که نازل کرده است، بصیرت بخش و روشن‌گرند. لذا لفظ بصائر در مورد قرآن کریم هم لفظ بصائر اطلاق شده است: «هذا بصائر من ربکم و هدی و رحمة لقوم یؤمنون»

به وی وحی کردیم. و این کتاب آسمانی که به موسی وحی کردیم، سبب بصیرت و تعلیم و آموزش بشر است. بصیرت به معنی معرفت و تحقیق (مفردات راغب، کلمه بصر) و بینش و آگاهی و کلمه «بصار» جمع «بصیر»، یعنی «چشم». گویا، مراد از بصائر جهت‌ها و دلایل روشن و برهان‌های محکم است که به وسیله آن مردم به حق آگاهی و معرفت و بینش پیدا می‌کنند و به سوی معارف حقه و هدایت و رستگاری حرکت می‌کنند. از آنجا که خداوند متعال خود بصیر است: «و کفی برتک بذنوب عباده خبیراً بصیراً» (اسراء/۱۷)، کتاب‌های آسمانی هم که نازل کرده است، بصیرت‌بخش و روشن‌گرند. لذا لفظ بصائر در مورد قرآن کریم هم لفظ بصائر اطلاق شده است: «هذا بصائر من ربکم و هدی و رحمة لقوم یؤمنون» (اعراف/۲۰۳).

در مورد تورات هم می‌فرماید: «بصائر للناس».

ذکری

از جمله صفاتی که قرآن برای تورات ذکر کرده، صفت «ذکر» است. در بعضی از آیات هدف نزول تورات را تذکر و یادآوری برای صاحبان خرد بیان می‌کند: «ولقد آتینا موسی الهدی و أورثنا بنی اسرائیل الکتاب * هدی و ذکری لأولی الألباب» (غافر/۵۴-۵۳): و ما به موسی هدایت بخشیدیم و بنی اسرائیل را وارثان کتاب (تورات) قرار دادیم. کتابی که مایه هدایت و تذکر برای صاحبان عقل بود.

همان‌طور که درباره قرآن تعبیر ذکری را آورده است: «و کلا نقص علیک من انباء الرسل ما نثبت به فؤادک و جاءک فی هذه الحق و موعظة و ذکری للمؤمنین» (هود/۱۲): ما از هر یک از سرگذشت‌های انبیا برای تو بازگو کردیم تا به وسیله آن قلبت را آرامش بخشیم، و در این [اخبار و سرگذشت‌ها] برای تو حق و برای مؤمنان موعظه و تذکر آمده است.

- «إن هو إلا ذکر و قرآن مبین» (یس/۶۹)
- «وهذا ذکر مبارک أنزلناه أفانتم له منکرون» (انبیاء/۵۰)

در قرآن کریم به تورات هم ذکر اطلاق شده است: «ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الأرض یرثها عباد الصالحون» (انبیاء/۱۰۵): در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم، بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد.

در **مجمع البیان** برای ذکر چند معنی نقل شده که یکی از آن‌ها تورات است: «و ثانیها ان الزبور الکتب المنزله بعد التوراه و الذکر هو التوراه عن ابن عباس و ضحاک، ثالثها ان الزبور زبور داوود، و الذکر توراه موسی، عن الشعبي» (طبرسی، ۱۳۸۰، ج ۱۷: ۱۱۹).

در «تفسیر نمونه» منظور از ذکر در آیه ۱۰۵ انبیا این چنین بیان شده است: «ولی با توجه به تعبیراتی که در آیه به کار رفته، ظاهر این است که منظور از زبور،

کتاب داوود و ذکر به معنی تورات است و با توجه به اینکه زبور بعد از تورات بوده، تعبیر (من بعد) حقیقی است و این چنین معنا می‌شود: و ما در زبور، بعد از تورات، چنین نوشتیم که این زمین را بندگان صالح به ارث خواهند برد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱۳: ۵۱۳).

همان‌طور که یکی از اهداف نزول قرآن را تذکر برای مردم معرفی کرد: «و ینبین آیاته للناس لعلهم یتذکرون» (بقره/۲۲۱)، درباره تورات نیز می‌فرماید: «ولقد آتینا موسی الکتاب من بعد ما اهلکنا القرون الأولى بصائر للناس و هدی و رحمة لعلهم یتذکرون» (قصص/۴۳).

و نیز در آیه ۴۸ سوره انبیا می‌فرماید: «و لقد آتینا موسی و هارون الفرقان و ضیاء و ذکرنا للمتقین». و همانا ما به **موسی و هارون** آن کتاب جداکننده [حق از باطل] را که برای تقوای پیشگان روشنی‌بخش و مایه یادآوری بود، عطا کردیم.

علامه طباطبایی ذیل همین آیه می‌فرماید: «اگر ذکر نامیده، بدین جهت است که تورات مشتمل بر مطالبی از حکمت‌ها، موعظه‌ها و عبرت‌هاست که خدای را به یاد می‌اندازد.»

تفصیل

از جمله صفاتی که در قرآن کریم برای تورات ذکر شده، صفت تفصیل است که در آیه شریفه «ثم آتینا موسی الکتاب تماماً علی الذی احسن و تفصیلاً لکل شیء و هدی و رحمة لعلهم یلقاء ربهم یؤمنون» (انعام/۱۵۴) آمده است. **ألوسی** در تفسیرش ذیل این قسمت (و تفصیلاً لکل شیء) می‌آورد: «ای بیانا مفصلاً لکل ما یحتاج الیه فی الدین؛ دلاله فیه علی انه لاجتهاد فی شریعه موسی (ع) خلافاً لمن زعم ذلك، فقر و در مثله فی صفه القرآن کقوله تعالی فی سوره یوسف (ع) و تفصیل کل شیء» (ألوسی، ۱۴۰۵، ج ۵: ۸۹).

اما **فخر رازی** در تفسیرش این چنین نقل می‌کند که: «آتینا موسی الکتاب تماماً، ای تاماً کاملاً علی احسن ماتکون علیه الکتاب»: ... و به بهترین وجه که نیکوست. در ادامه نیز از قول **کلبی** نقل می‌کند که: «و مراد از تفصیل کل شیء یعنی: من النعم فی الدین و المراد به ما یتخص بالذین فدخل فی ذلک بیان تبوه رسولنا (ص) الدینه، و شرعه و سایر ادله و احکام الامانسخ منها» (فخر رازی، ۱۴۱۰، ج ۵: ۴).

مجمع البیان هم ذیل تفسیر این آیه می‌گوید: «تفصیلاً - ای بیانا لکل ما یحتاج الیه الخلق»: همانا تمام آنچه که مردم به آن احتیاج دارند (طبرسی، ۱۳۸۰، ج ۴: ۱۹۷).

به علاوه، **آیه الله جواد**ی **املی** این چنین در تفسیر خود می‌فرماید که تورات تفصیل‌دهنده همه نیازهای بنی اسرائیل بوده است. (و تفصیلاً لکل شیء) و حضرت موسی (ع) نیز تمام نیازهای مردم روزگار را تأمین می‌کرد، چنان‌که تورات هدایت در جهت و رحمت برای آن مردم نیز بوده است (هدی و رحمه). ایشان در ادامه

بحششان از این آیه به‌عنوان هدف نزول تورات می‌نویسد که خدای سبحان با اوصاف چهارگانه تفهیم، تفصیل، هدایت و رحمت ظهور کرد تا بنی اسرائیل قیامت را باور کنند. و در ادامه آورده است که متأسفانه در تورات کنونی با اهمیتی که معاد دارد، به این موضوع همانند قرآن کریم پرداخته نشده است، مگر اشاراتی که شاید استنباط از آن‌ها آسان نباشد. در حالی که خدا در آیه مورد بحث هدف از نزول تورات را معاد برمی‌شمرد (آملی، ۱۳۸۵، ج ۲۷: ص ۵۳۷-۵۳۵).

از مطالبی که در مورد ویژگی‌های تورات گفته شد فهمیده می‌شود، کتابی که خدا به موسی (ع) نازل کرد، دارای ویژگی‌های زیادی بوده که یکی از آن‌ها همه‌جانبه و گسترده بودن آن است که برای تمام مردم یهود و نیازهای روزمره‌شان کافی بوده است، حالا اینکه آیا مقصود از کتاب همان الواح بوده، یا تورات بوده یا کدام منظور بوده، مشخص نیست. اما کتابی است که ویژگی‌های تفصیل، هدایت و رحمت را دارد. البته نسبت به قرآن کنونی که الان نمی‌توان گفت این ویژگی‌ها را دارا باشد.

در «تفسیر المیزان» هم **طباطبائی** فرموده است، تورات فعلی و کنونی که در قرآن از آن یاد شده که تحریف شده است، در آن هیچ بحثی از روز قیامت ندارد و بعضی از مورخین آن‌ها هم می‌گویند که ملت اسرائیل اعتقاد به معاد ندارند (طباطبائی، ۱۳۸۴، ج ۷: ۳۹۶).

بنابراین، آیه شریفه بیان شده دلالت بر این دارد که تورات نسبت به معارف و شرایی که مورد حاجت بشر است، کتاب کاملی نیست و همین‌طور هم هست. همچنان که در آیه «وانزلنا الیک الكتاب بالحق مصدقا لما بین یدیه من الكتاب و مهیمنا علیه...» (مائده/۴۸)، بعد از ذکر تورات و انجیل، قرآن را مهیمن و مکمل آن دو خوانده است (فعال عراقی، ۱۳۸۱: ۲۴).

در تفسیر مباحثی از **عبدالله بن ولید** روایت می‌کند که: «**امام صادق (ع)** گفت: خدای تعالی درباره موسی (ع) فرمود: «وکتبنا له فی الالواح من کل شیء» و ما فهمیدیم که برای موسی همه چیز را نوشته است (بلکه از همه چیز مقداری نوشته) درباره عیسی (ع) فرمود: «ولابین لکم بعض الذی تختلفون فیه» (زخرف/۶۳).

درباره محمد (صلوات الله علیه) هم فرمود: «وجئنا بک شهیدا علی هؤلاء و نزلنا علیک الكتاب تبیاناً لکل شیء» (نحل/۸۹).

رحمت

تورات نازل شده بر موسی (ع) مایه رحمت برای مردم است. اما آیا این تورات کنونی و فعلی مایه رحمت و خیر برای آنان است؟ توراتی که تحریف شده است و به تورات اصلی هم عمل نمی‌شود. خداوند این کتاب را به صفات فراوانی یاد می‌کند که از آن جمله رحمت است که در آیات متعدد می‌فرماید:

- و هدی و رحمة لعلهم یلقاء ربهم یؤمنون (انعام/۱۵۴).
- هدی و رحمة للذین هم لربهم یرهبون (اعراف/۱۵۴) •

بصائر للناس و هدی و رحمة لعلهم یتذکرون (قصص/۴۳) • و من قبله کتاب موسی اماما و رحمة (احقاف/۱۲).

تورات برای آن مردم هدایت و رحمت بوده است؛ هدایت در زمینه کارهای فکری و رحمت درباره کارهای عملی. انسان نیاز دارد بفهمد و مسیر فهمش را بیامد. این نخستین هدایت و راهنمایی است و سپس پیمودن آن راه. اولی علم صائب است و دومی عمل صالح. با علم صائب، هدایت تحقیق می‌یابد و با رحمت، عمل صالح تأمین می‌شود (آملی، ۱۳۸۵، ج ۲۷: ۵۳۵).

و از صفات دیگر آن می‌توان به فرمان - نور - هدایت اشاره کرد که در بحث جدید به آن اشاره خواهد شد. همچنین آیه «و من قبله کتاب موسی اماما و رحمة و هذا کتاب مصدق لسانا عربیا لینذر الذین ظلموا و بشری للمحسنین» (احقاف/۱۲) اشاره به امام و رحمت بودن تورات می‌کند و اینکه این کتاب می‌تواند مقتدای بنی اسرائیل باشد. بنی اسرائیل باید در اعمال خود از آن پیروی کنند، بدین جهت که مایه اصلاح نفوس مردم با ایمان و رحمت است. (طباطبائی، ۱۳۸۴، ج ۱۸۵: ۲۹۹).

در این آیه تعبیر (اماما و رحمة) ممکن است از این نظر باشد که بعد از ذکر امام و پیشوا، احیاناً مسئله تکلیف شاق و خشونت‌بار به ذهن تداعی می‌کند، به واسطه خاطرهای که از پیشوایان خود داشتند. ولی ذکر «رحمت» این تداعی را اصلاح می‌کند و می‌گوید: امامت این امام توأم با رحمت است. حتی اگر تکلیفی آورده، آن هم رحمت است و چه رحمتی برتر از تربیت نفوس آن‌هاست.

فرقان

در آیه «و اذ آتینا موسی الكتاب و الفرقان لعلکم تهتدون» (بقره/۵۲)، منظور از کتاب و فرقان ممکن است هر دو اشاره به تورات باشد و نیز ممکن است اشاره به معجزاتی باشد که خداوند در اختیار **موسی (ع)** گذاشته بود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۵۵).

که مفسران در معنای این دو کلمه و اینکه به چه معنا آمده است، نظرات مختلفی دارند که به بعضی از آن‌ها اشاره خواهیم کرد. به قول «تفسیر نمونه»، این تفسیرها هیچ‌گونه با هم منافاتی ندارند، چرا که ممکن است فرقان هم اشاره به (تورات) و هم اشاره به سایر معجزات و دلایل موسی (ع) باشد.

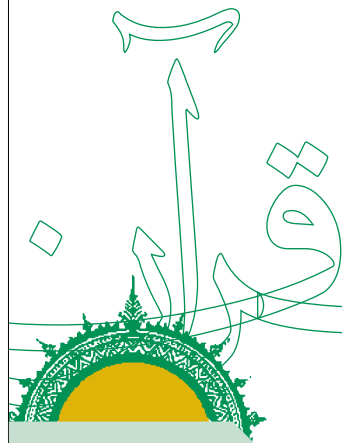
زمخشری در تفسیر خودش همان تورات را گرفته است (زمخشری، ۱۴۱۵ هـ. ق، ج ۳: ۱۲۲). به نظر برخی از مفسرین، یکی از صفاتی که خداوند در قرآن برای تورات آورده، «فرقان» است. همان‌طور که خداوند درباره قرآن این وصف را آورده است: «تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیكون للعالمین نذیرا» (فرقان/۱).

درباره تورات نیز می‌فرماید: «و اذ آتینا موسی الكتاب و الفرقان لعلکم تهتدون» (بقره/۵۳).



مقصود از «الکتاب» همان تورات معهود و مقصود از «فرقان» چیزی است که عامل هدایت است.

زیرا عنوان «اهتدا» که در پایان آیه به عنوان حکمت چنین نعمتی بیان شده است، نشان می‌دهد که فرقان اثر راهنمایی دارد



ممکن هم هست که فرقان شامل تورات و معجزات حضرت موسی شود و منافاتی بین این دو نیست. فرقان یعنی وسیله تمییز و تشخیص و مراد از آن چیزی است که بتوان به وسیله آن حق را از باطل تشخیص داد

مقصود از «الکتاب» همان تورات معهود و مقصود از «فرقان» چیزی است که عامل هدایت است. زیرا عنوان «هتدا» که در پایان آیه به عنوان حکمت چنین نعمتی بیان شده است، نشان می‌دهد که فرقان اثر راهنمایی دارد.

مختار بعضی از مفسران این است که مراد از فرقان همان کتاب است. (حقی بروسوی، ۱۳۳۰ هـ.ق، ج ۱: ۱۳۴؛ مغنیه، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۲۰).

عطف الفرقان بر الکتاب می‌تواند عطف صفتی بر صفت دیگر باشد و هر کدام بیانگر بعدی از ابعاد تورات. یعنی ما بر موسی (ع) نعمتی عطا کردیم که هم کتاب بود و هم فرقان و می‌تواند مراد از کتاب و فرقان دو چیز متفاوت باشد. یعنی به موسی کتاب (تورات) دادیم و نیز به او فرقان عطا کردیم. بر این مبنا، مراد از فرقان معجزات و براهین و مانند آن خواهد بود. (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۴: ۴۳۱).

ممکن هم هست که فرقان شامل تورات و معجزات حضرت موسی شود و منافاتی بین این دو نیست. فرقان یعنی وسیله تمییز و تشخیص و مراد از آن چیزی است که بتوان به وسیله آن حق را از باطل تشخیص داد. فرقان مانند «فرق» مصدر است، منتها فرقان بلیغ‌تر از فرق است. البته راغب فرقان را اسم می‌داند (راغب، ۱۴۱۶ هـ.ق: ذیل فرق).

تورات متصف به کتاب شده است، زیرا مجموعه‌ای از قوانین، معارف، اخلاق و احکام فقهی و حقوق به جامعیت تورات است و فرقان اشاره به فاروق بودن آن بین حق و باطل، صدق و کذب و... است. به بیان سوم، عطف صفات به یکدیگر برای برجسته شدن هر صفتی در ذهن مخاطب است (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۴: ۴۳۱). در آیه دیگری که مؤید فرقان بودن تورات است، چنین آمده: «ولقد آتینا موسی و هارون الفرقان و ضیاء و ذکرا للمتقین» (انبیاء/ ۴۸).

علامه طباطبایی مراد از فرقان و ضیاء ذکر در این آیه را تورات دانسته است و می‌فرماید: «آیه بعدی شاهد بر این است که مراد از فرقان و ضیاء و ذکر تورات است خداوند آن را به موسی و برادرش هارون که شریک در نبوت وی بود داد. و اگر تورات را فرقان دانسته یا برای این است که تورات فرق گذارنده میان حق و باطل باشد و یا بدین جهت است که وسیله فرق میان حق و باطل در اعمال و اعتقادات است. این آیه نظیر آیه و **اذا آتینا موسی الکتاب و الفرقان لعلکم تهتدون** است» (طباطبایی، ۱۳۸۴، ج ۱۴: ۴۱۷).

مؤید این مطلب آن است که در آیات دیگر، تورات را نور دانسته که با ضیاء معنای نزدیک‌تر دارد و همچنین در سوره صافات آن را کتاب روشنگری دانسته که به موسی و هارون عطا شده است.

«ولقد مننا علی موسی و هارون * و نجینا هما و قومهما من الکرب العظیم * و نصرنا هم فکانوا هم الغالبین * و

آتینا هما الکتاب المستبین» (صافات/ ۱۱۷-۱۱۴). «مجمع‌البیان» نیز مراد از فرقان را تورات دانسته است: «ولقد آتینا موسی و هارون الفرقان انی اعطیناهما التوراه یفرق بین الحق و الباطل عن مجاهد و قتاده» (طبرسی، ج ۷: ۹۲).

ضیاء و کتاب مستبین

در بحث‌های قبل هم اشاره شد که قرآن کریم برای تورات صفت «ضیاء» و «کتاب مستبین» آورده است. در اینکه میان «ضیاء» و «نور» چه تفاوتی است، بین لغویین و مفسرین، نظرات و گفت‌وگویی فراوان وجود دارد. اما نظری که دقیق‌تر به نظر می‌رسد این است که دو کلمه مزبور اگرچه در بسیاری از مواقع مترادف هستند، اما گاهی فرق دارند، زیرا: الضوء و ضیاء به معنای نور ذاتی است، ولی نور، آن چیزی که از غیر خودش نور می‌گیرد و بنابراین قول خداوند متعال است: «هو الذی جعل الشمس ضیاء و القمر نورا» (یونس/ ۵) (العسکری، ۱۳۷۹: ۳۳۳).

آیه «ولقد آتینا موسی و هارون الفرقان و ضیاء و ذکرا للمتقین» (انبیاء/ ۴۸) بیانگر این نکته است که تورات روشنی‌بخش زندگی و یادآور مسیر هدایت و نیازمندی‌های دینی برای تقوایبشگان بود و اگر تورات را ضیاء خواند، به‌خاطر این است که مسیر انسان‌های باتقوا را به سوی رستگاری در دنیا و آخرت روشن می‌سازد. لذا در آیه دیگر که قریب به این معناست، آن را کتاب مستبین می‌خواند: «ولقد مننا علی موسی و هارون و نجیناهما و قومهما من الکرب العظیم و نصرنا هم فکانوا هم الغالبین و آتیناهما الکتاب المستبین» (صافات/ ۱۱۷-۱۱۴): و به تحقیق ما به موسی و هارون نعمت ارزانی داشتیم و به آن دو کتاب روشنگر دادیم. مستبین به معنای مبین (روشن و روشنگر) است و مبین و «تا» در آن برای تأکید و مبالغه است؛ یعنی بسیار روشن و روشنگر (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۱۵: ۴۶۱).

این آیه اشاره می‌کند که کتاب آسمانی حضرت موسی و هارون (تورات) برخوردار از پیام‌ها و مضامینی بسیار روشن و قابل فهم برای همگان بود و به تمام نیازمندی‌های دین و دنیا و آخرت بنی‌اسرائیل و انسان‌ها در آن روز پاسخ می‌گفت. کتابی روشن و روشنگر بود که مجهولات نهایی را روشن می‌کرد و آن اموری را که بشر آن روز احتیاج داشت، فاقد آن بود و بر او پوشیده بود، بیان می‌داشت.

«مجمع‌البیان» ضیاء را یکی از صفات تورات می‌داند که پیروان حضرت موسی (ع) از نور آن بهره می‌گرفتند تا هدایت شوند: «(ضیاء) ای: و آتینا هما ضیاء و هومن صفه توراه ایضا مثل قوله (فیها هدی و نور) و المعنی انهم استضاء و اباحتی اعتدوا فی دینهم» (طبرسی، ۱۳۸۰، ج ۷: ۹۲).

امام

در قرآن کریم، علاوه بر اوصاف مشترک بین تورات و انجیل، بعضی از اوصاف و ویژگی‌های تورات هم ذکر شده که نشانگر اهمیت و جایگاه والای تورات در قرآن است. یکی از صفات بسیار مهم که برای تورات ذکر شده، لفظ امام است که در میان کتب آسمانی فقط بر تورات اطلاق شده است.

راغب در «مفردات» امام را «مقتدا»، و به آنچه که به آن اقتدا می‌کنند و به معنی «پیشوا» می‌داند؛ چه انسان باشد که به سبب قومش یا فعلش مورد اقتدای مردم باشد یا در کتاب حق باشد یا باطل و ائمه جمع امام است: «والامام: المومتم با انسانا کان یقتدی بقوله او فعله، او کتابا او غیر ذلک معقاً کان او مبطلاً. جمعه ائمه و قوله تعالی: یوم ندعوا کل اناس بامامهم (اسراء/ ۷۱) ای بالذی یقتدون به وقیل: بکتایبهم... (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ هـ ق: ذیل واژه امام).

امام در لغت به معنای الگو و پیشواست. لذا در قرآن کریم برای چندین مصداق به کار رفته است یکی از مصداق‌های آن «شاهراه» است. راهی که ورود در آن انسان را به مقصد می‌رساند و مسافر از آغاز تا پایان آن با راه‌های دیگر مواجه نمی‌شود تا سرگردان بماند، و نیاز به علامت داشته باشد، به امام موسوم است. لذا خداوند تعالی درباره شاهراه مجاز به شام و ویرانه‌های قدیم لوط و اصحاب یککه در کنار آن واقع است می‌فرماید: «و ان کان اصحاب الایکه لظالمین فانقمنا منہم و انہما لبامام مبین» (حجر/ ۷۹-۷۸)

اطلاق امام به کتاب آسمانی تورات (من قبله کتب موسی اماما و رحمہ) نیز از این روست. زیرا مقتدای انسان‌ها در زمان حضرت موسی و بعد از او، راهی بدون حیرت بوده است که عمل‌کننده به آن به مقصد می‌رسید. انسان کامل را هم به این دلیل امام می‌گویند که معارف کتاب‌های آسمانی را داراست و سیره و سنت، و قول و گفتار او راه روشنی است که اقتدای به آن سالک را به مقصد می‌رساند (و جعلنا منہم ائمة یهدون بامرنا). بعضی از مفسرین اطلاق امام به شاهراه، کتاب آسمانی، لوح محفوظ و انسان کامل را از باب تطبیق معنای حکمی بر مصداق‌های روشن آن می‌دانند، نه از باب تفسیر مفهومی (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۶: ۱۲۵).

همان‌طور که گذشت، در میان کتب آسمانی لفظ امام فقط در مورد تورات به کار رفته است. در سوره هود می‌فرماید: «فمن کان علی بینه من ربه و یتلوه شاهد منه و من قبله کتاب موسی اماما و رحمۃ اولئک یؤمنون به و من یکفر به من الاحزاب فالنار موعده فلا تک فی مرية منه انه الحق من ربک و لکن اکثر الناس لا یؤمنون» (هود/ ۱۷).

این آیه ضمن بیان اینکه تورات، کتاب آسمانی نازل شده بر حضرت موسی (ع) حاوی بشارت بر نزول قرآن و دلیل آشکاری بر حقایق آن است که برخورداران از بصیرت الهی، دلالت تورات بر نزول قرآن را به خوبی در

می‌یابند، عظمت تورات را در مقایسه با کتب آسمانی دیگر از نظر قرآن بیان می‌کند (و من قبله کتاب موسی اماما و رحمہ...).

در «سوره احقاف» نیز تعبیر امام در مورد تورات به کار رفته است: «و من قبله کتاب موسی اماما و رحمۃ و هذا کتاب مصدق لسانا عربیا لینذر الذین ظلموا و بشری للمحسنین» (احقاف/ ۱۲).

در این آیه نیز ضمن تصدیق تورات و هماهنگی پیام و محتوای آن با قرآن، به بیان اهمیت تورات در میان کتب آسمانی می‌پردازد و آن را به امام و رحمت توصیف می‌فرماید که سرمشق زندگی و تبلور رحمت الهی در میان پیشینیان بوده است.

از اینکه لفظ امام به صورت مطلق بر کتاب آسمانی تورات اطلاق شده، جایگاه بی‌بدیل تورات را در میان کتب آسمانی نازل شده قبل از قرآن می‌توان دریافت.

تفصیل و تفسیر لفظ امام را شاید بتوان از «سوره مائده» آیه ۴۴ فهمید؛ آنجا که می‌فرماید: «إنا أنزلنا التوراة فیها هدی و نور یحکم بها النبیون الذین أسلموا للذین هادوا و الرابئیون و الأحبار بما استحفظوا من کتاب الله و کانوا علیه شهداء فلا تخشوا الناس و اخشون ولا تشتروا بآیاتی ثمنا قلیلا و من لم یحکم بما أنزل الله فأولئک هم الکافرون» در «تفسیر نمونه» علت تعبیر امام درباره تورات چنین بیان شده است: ... تعبیر به امام در مورد تورات ممکن است به خاطر این باشد که احکام شریعت موسی (ع) به‌طور کلی در آن بوده و حتی مسیحیان بسیاری از تعلیمات خود را از تورات می‌گیرند. (مکارم، ۱۳۸۰، ج ۹: ۵۶).

در «مجمع البیان» آمده است: (اماما) یومتم به فی امور الدین (و رحمہ) ای: و نعمه من الله تعالی علی عباده، و قیل معناه ذا رحمہ ای: سبب الرحمه لمن آمن به. (طبرسی، ۱۳۸۰، ج ۵: ۲۵۵). که معنای امام را پیشرویی که در امور دین به او اقتدا می‌شود، دانسته و رحمت به معنای نعمت از طرف خداست. اما در آیه «انا انزلنا التوراه...» بر نزول آن از جانب خدا، نام بردن از آن به عنوان کتاب و آیات خدا، متصف کردن به «هدایت» و «نور» و پیروی انبیاء، ربانیون و احبار و حفظ آن‌ها کتاب خدا را، مرجع قرار دادن آن و کافر خواندن کسی که حکم نکند بر احکام آن، تأکید شده است. این تعبیرات بر جامعیت در مرجعیت و پیشوایی تورات نسبت به کتب آسمانی دیگر قبل از قرآن و پیروی پیامبران حتی پیامبر اولوالعزم چون عیسی (ع) (جز در برخی از موارد که ناسخ آن احکام بوده است) دلالت می‌کند.

علامه طباطبایی در توضیح «اماما و رحمہ» چنین می‌فرماید: «در اینجا روشن می‌شود که چرا کتاب موسی، یعنی تورات را با صفت امام و رحمت توصیف کرده است. چون آن کتاب مشتمل بر معارف حق و شرایع الهی بوده است که مردم آن شرایع را امام و پیشرو خود قرار دادند. آن شرایع رحمت و نعمتی بود که بشر آن روز از آن منتعم می‌شود و توصیف تورات به امام و



علامه طباطبایی
در توضیح «اماما و رحمہ» چنین می‌فرماید: «در اینجا روشن می‌شود که چرا کتاب موسی، یعنی تورات را با صفت امام و رحمت توصیف کرده است. چون آن کتاب مشتمل بر معارف حق و شرایع الهی بوده است که مردم آن شرایع را امام و پیشرو خود قرار داده‌اند»

رحمت در جای دیگر از کلام الله مجید نیز آمده است؛ آنجا که فرموده (احقاف/ ۱۲-۱۰): «امام بود، چون بنی اسرائیل به آن اقتدا می کردند و رحمت بود، چون به وسیله آن هدایت می شوند. طریقه‌ای بود که درستی راهنمایی‌هایش تجربه شده بود (طباطبایی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۲۷۷-۲۷۶).

تصدیق تورات در قرآن

قرآن کریم در آیاتی چند، تورات نازل شده بر حضرت موسی (ع)، پیامبر قوم یهود را تصدیق می کند و به طور ضمنی دستور مراجعه و مطالعه آن را صادر فرموده است: «قل فاتوا بالتوراة فاتلوها» (آل عمران): بگو تورات را بیورید و آن را بخوانید.

آیات دیگری که به تأیید و تصدیق تورات، کتابی که مؤید آنچه نزد آنان است بر ایشان آمد، و از دیرباز در انتظارش بودند، بر کسانی که کافر شده بودند، پرداخته‌اند، فراوانند: از جمله:

• «ولما جاءهم کتاب من عند الله مصدق لما معهم و كانوا من قبل يستفتحون علی الذین كفروا فلما جاءهم ما عرفوا كفروا به فلعنة الله علی الكافرين» (بقره/ ۸۹): و هنگامی که از جانب خدا پیروزی می جستند، ولی همین که آنچه [که اوصافش] را می شناختند بر ایشان آمده، انکارش کرده‌اند.

• «و لما جاءهم رسول من عند الله مصدق لما معهم» (بقره/ ۱۰۱): و آن گاه که فرستاده‌ای از جانب خداوند بر ایشان آمد که آنچه را در کتاب آسمانی‌شان بود، تصدیق می داشت.

• «یا ایها الذین اوتوا الكتاب امنوا بما نزلنا مصدقا لما معکم من قبل ان نطمس وجوها فنردها علی اذبارها و نلعنهم کما لعنا اصحاب السبت و کان امر الله مفعولا» (نساء/ ۴۷): ای کسانی که به شما کتاب داده شده است، بر آنچه بر پیامبر فرو فرستادیم و تصدیق کننده همان چیزی است که با شماست، ایمان آورید....

• (خطاب به بنی اسرائیل): «و آمنوا بما أنزلت مصدقا لما معکم و لا تکنوا اول کافر به و لا تشتروا بأیاتی ثمنا قليلا و ایای فاتقون» (بقره/ ۴۱): و بدانچه نازل کرده‌ام که مؤید همان چیزی است که با شماست، ایمان آورید. نخستین منکر آن نباشید و آیات مرا به بهایی ناچیز نفروشید.

قرآن کریم تصریح دارد که خداوند تورات را با وحی خویش بر موسی (ع) نازل فرموده است:

• «نزل علیک الكتاب بالحق مصدقا لما بین یدیه و انزل التوراة والانجیل» (آل عمران/ ۳)

• «انا انزلنا التوراة فیها هدی و نور» (مائده/ ۴۴) و گفته شده است که در تورات حکم الله نازل شده است: «و کیف یحکمونک و عندهم التوراة فیها حکم الله ثم یتولون من بعد ذلک و ما اولئک بالمؤمنین» (مائده/ ۴۳). و عیسی تصدیق کننده آن شمرده شده است: «و قفینا علی آثارهم بعیسی ابن مریم مصدقا لما بین یدیه من التوراة و اتیناه الانجیل فیها هدی و نور و مصدقا لما بین یدیه من التوراة و هدی و موعظة للمتقین» (مائده/ ۴۶).

و گفته شده است که پیامبر اسلام (ص) نیز تصدیق کننده

آن است: «و اذ قال عیسی ابن مریم یا بین اسرائیل انی رسول الله الیکم مصدقا لما بین یدی من التوراة و مبشرا برسول یأتی من بعدی اسمه احمد فلما جاءهم بالبینات قالوا هذا سحر مبین» (صف/ ۶)

و یهودیان به اقامه تورات تشویق شده‌اند (مائده/ ۶۸-۶۶). در آیه ۵ سوره جمعه آمده است: کسانی که تورات بر آنان عرضه شده و سپس حق آن را چنان که باید و شاید به جای نمی آوردند، همانند درازگوشی هستند که کتاب‌هایی را حمل می کنند.

نکته دیگری که قرآن به آن اشاره می کند این است که یهودیان انتظار پیامبر آخر الزمان را داشته‌اند که وصف او را در تورات یافته بودند. چنان که می فرماید: «الذین یتبعون الرسول النبی الامی الذی یجدونه مکتوبا عندهم فی التوراة و الانجیل یأمرهم بالمعروف و ینهاهم عن المنکر» (اعراف/ ۱۵۷) ج. هارویتس در اشاره به این آیه می نویسد: آیه ۱۵۷ سوره اعراف مؤمنان را اکیدا متقاعد کرده بود که تورات در بردارنده پیشگویی خاص درباره آمدن حضرت محمد (ص) است. سابقه کوشش‌هایی که در راه اثبات این نظر به عمل آمده است، به صدر اول اسلام می رسد ولی در اواسط قرن سوم هجری بود که آیات معینی از اسفار خمسه [تورات] و سایر اسفار عهد عتیق که حاکی از ظهور حضرت محمد (ص) است، با ترجمه دقیق و امین نقل و تفسیر می شود.

ابن جوزی در کتاب «الوفا»ی خویش از یکی از آثار **ابن قتیبه** که نامش را نبرده است، عبارتی از این دست نقل می کند و چندین فقره نظیر آن را در همان روزگار، **علی بن طبری** نقل می کند و این گونه منقولات در دفاعیات و مجادلات کلامی قرن‌های بعد کرارا دیده می شود.

اما در آیه «نزل علیک الكتاب بالحق مصدقا لما بین یدیه و انزل التوراة و الانجیل» (آل عمران/ ۳)، منظور از «مصدقا» چیست؟ تصدیق از ماده صدق است. وقتی گفته می شود من فلانی را تصدیق کردم، معنایش این است که با او معامله صدق نمودم و اعتراف دارم که او راست می گوید. همچنین وقتی گفته می شود فلان گفتار را تصدیق دارم، معنایش این است که به راستی و درستی آن اعتراف می کنم. و مراد از جمله «لما بین یدیه» کتب آسمانی حاضر در عصر نزول قرآن، یعنی تورات و انجیل است (طباطبائی، ۱۳۸۴، ج ۳: ۹).

چنان که در سوره مائده آیه ۴۸ صریحاً بیان کرده که مراد از این جمله، تورات و انجیل است که در هر دو هدایت هست. این آیه شریفه خالی از دلالت بر این معنا نیست که تورات و انجیلی که آن روز در دست یهود و نصارا بوده، بدین شکل تحریف شده نبوده است. بلکه پاره‌ای از مطالب آن همان تورات و انجیل واقعی بوده که بر موسی و عیسی (ع) نازل شده است. اما همه آن‌ها آیاتی نبوده‌اند که از طرف خدا نازل شده‌اند و دستخوش سقط و تحریف شده است (همان، ص ۱۰).

تورات و انجیل زمان رسول خدا (ص) مسلماً همین



یهودیان به اقامه تورات تشویق شده‌اند (مائده/ ۶۸-۶۶). در آیه ۵ سوره جمعه آمده است: کسانی که تورات بر آنان عرضه شده و سپس حق آن را چنان که باید و شاید به جای نمی آوردند، همانند درازگوشی هستند که کتاب‌هایی را حمل می کنند

تورات و انجیل زمان بوده است. پس قرآن این تورات و انجیل را صددرصد قبول ندارد و به وقوع تحریف و دست‌خوردگی آن شهادت می‌دهد و می‌فرماید: «ولقد اخذ الله ميثاق بني اسرائيل و بعثنا منهم اثني عشر نقيبا و قال الله اني معكم لئن اقمتم الصلاة و اتيتم الزكاة و امنتم برسلي و عزرتموهم و افرضتم الله قرضا حسنا لا كفرن عنكم سيئاتكم و لادخلنكم جنات تجري من تحتها الانهار فمن كفر بعد ذلك منكم فقد ضل سواء السبيل» *فما نقضهم ميثاقهم لعناهم و جعلنا قلوبهم قاسية يحرفون الكلم عن مواضعه و نسوا حظا مما ذكروا به و لا تزال تطلع على خائنه منهم الا قليلا منهم فاعف عنهم و اصفح ان الله يحب المحسنين و من الذين قالوا انا نصارى اخذنا ميثاقهم فنسوا حظا مما ذكروا به فاغرينا بينهم العداوة و البغضاء الى يوم القيامة و سوف ينبتهم الله بما كانوا يصنعون» (مائده/ ۱۴-۱۱) (پیشین).

«تفسیر مجمع‌البیان» مراد از «مصدق بین یدیه» را این‌گونه بیان می‌کند که مطالب کتب پیامبران گذشته آن‌چنان برای رسول اکرم (ص) ظاهر و آشکار بود که گویی در برابرش قرار داشتند (طبرسی، ۱۳۸۰، ج ۳: ۲۲۷). آیت الله مکارم ذیل آیه «و امنوا بما انزلت مصدقا لما معکم» (بقره/ ۴۱) می‌فرماید: «قرآن مصدق کتابی است که نزد خود شماست. یعنی بشارتی را که تورات به پیامبران پیشین خود داد که بعد از پیامبری با چنین اوصاف ظهور خواهد کرد و کتاب آسمانی‌اش دارای این ویژگی‌هاست، اکنون می‌بینید که صفات این پیامبر و ویژگی‌های قرآن کاملا منطبق بر بشارتی است که در کتب شما آمده است و هماهنگی همه‌جانبه با آن دارد. چرا به آن ایمان نمی‌آورید؟!»

منظور از فرقان در صورت انطباق بر تورات، خواه با نحو عموم یا خصوص، همانا تورات اصیل و غیر عرف است که بر موسی کلیم نازل شد. زیرا آن کتاب اصلی الهی معصوم و مصون از دس، وضع و تحریف می‌تواند فاروق بین حق و باطل نظری و حسن و قبح عملی باشد. چنین کتابی شایسته اعتصام است تا از آن به‌عنوان منشأ هدایت استفاده شود. وگرنه کتاب مدسوس و محرف نه فرقان است و نه سبب اهتدای دیگران. بنابراین اگر مخاطبان اصلی آیه مورد بحث، یهودیان عصر حضرت کلیم‌الله باشند، امر به اهتدا رواست؛ چنان‌که وصف آن کتاب نازل به فرقان بجاست. و اگر مخاطبان آیه یهودیان معاصر نزول قرآن کریم باشند، هر دو مطلب مزبور، یعنی اتصاف تورات به فرقان و اهتدای متمسکان به آن، مربوط به آن بخش مصون از و تحریف است که از آن قسم در قرآن کریم چنین یاد شده است: «فاتوا بالتوریه فاتلوها ان کنتم صادقین» (فرقان/ ۱) (جوادی آملی، ۱۳۵۸، ج ۴: ۴۳۲).

به نظر مرحوم بلاغی در کتاب «الالرحمن» (ص ۸۹)، تورات بیش از ظهور اسلام نیز محرف بود و بر همین اساس مراد از «مامعکم» را که قرآن مصدق آن است، بشارتی می‌داند که حتی در تورات محرف نیز وجود داشته و آن

این است که خداوند کلامش را در دهان پیامبر آخرالزمان می‌گذارد یا مراد معارف تحریف شده، چون اصل توحید به لزوم ایمان به خدا و نبوت و رسالت حضرت موسی و نظیر آن است (همان، ص ۷۷).

انواع تصدیق

با توجه به آیاتی که در مورد کتب آسمانی در قرآن وجود دارد، شاید بتوان تصدیق‌ها را به دو دسته عمده تقسیم کرد:

۱. آیاتی که صراحتاً قرآن درباره آن‌ها لفظ تصدیق یا مصدق را استعمال کرده است.

قرآن در وصف قرآن در دو مورد عبارت «تصدیق الذی بین یدیه» را آورده و لفظ مصدق ۱۸ مرتبه در قرآن به کار رفته است که در وصف خود قرآن ۱۱ مرتبه، در خصوص پیامبر یک مرتبه صریحا، و یک مرتبه هم تلویحا در مورد پیامبر اسلام و پیامبران دیگر به کار رفته است که می‌فرماید: «لزمه پیامبران ایمان گرفتیم که اگر پیامبری بعد از شما آمد که تصدیق می‌کند آنچه با شما بود، باید به او ایمان بیاورید. در وصف عیسی (ع) سه مرتبه، در وصف حضرت یحیی یک مرتبه و در وصف انجیل یک مرتبه وصف مصدق اطلاق شده است.

۲. آیاتی که لفظ تصدیق یا مصدق درباره آن‌ها نیامده است، اما دلالت بر تصدیق دارند؛ مانند آیه «نازلنا التوراة فیها هدی و نور یحکم بها النبیین الذین اسلموا للذین هادوا و الربانیون و الاحبار بما استحفظوا من کتاب الله و كانوا علیه شهداء فلا تخشوا الناس و اخشون و لا تشتروا بایاتی ثمنا قليلا و من لم یحکم بما انزل الله و فاولئك هم الکافرون» (مائده/ ۴۴).

در آیه فوق اگرچه لفظ تصدق صراحتاً برای تورات آورده نشده، اما با ذکر این مطلب که تورات من عندالله نازل شده، در آن هدایت و روشنایی بوده و سال‌های متمادی مرجع حکم انبیا، الهیون، دانشمندان و حافظان حدود کتاب آسمانی یهود بوده است... در حقیقت تصدیق ضمنی تورات در گذشته در میان بنی‌اسرائیل است. نظیر این آیه موارد مختلفی در مورد تورات ذکر شده است. در مورد انجیل نیز مواردی ذکر شده است.

معنای تصدیق از نظر «مجمع‌البیان» (ج ۱، ص ۱۸۵): ثم قال مخاطبا لليهود... و «المیزان» (ج ۳، ص ۳۰۹، ترجمه) و «المیزان» (ج ۳، ص ۱۱-۹) و علامه بلاغی درباره تورات این است که تورات پیش از ظهور اسلام نیز عرف بود و بر همین اساس، مراد از آیه «آمنوا بما انزلت مصدقا لما معکم» را که قرآن مصدق آن است، بشارتی می‌داند که حتی در تورات محرف نیز وجود داشته و آن این است که خداوند کلامش را در دهان پیامبر آخرالزمان می‌گذارد. یا مراد معارف تحریف نشده، چون اصل توحید و لزوم ایمان به خدا و نبوت عالم و رسالت حضرت موسی و نظیر آن است. هرگز صحیح نیست که گفته شود قرآن مصدق توراتی است که با آن‌هاست. زیرا آنچه از تورات با آن‌هاست، تحریف



آنچه که در قرآن درباره ویژگی‌ها و صفات تورات آمده، مختص همان تورات اصلی و تحریف نشده است و تورات فعلی فاقد این صفات و ویژگی‌هاست. چون در آن تحریف صورت گرفته است و نمی‌تواند ویژگی یک کتاب الهی را داشته باشد

